

مقاله پژوهشی

ارزش‌های مکان تاریخی در نگرش فرد دل‌بسته به مکان؛ نمونه موردی: مسجد فرط یزد

محمود پورسراجیان^{*۱}

۱- استادیار گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه یزد، یزد، ایران.

چکیده

حفاظت مکان‌های تاریخی مستلزم شناخت ارزش‌های آن‌ها به‌عنوان بخش اصلی انگیزه این تعهد است. در حال حاضر، این انگیزه و تعهد، کارشناسانه و از پیش تعیین‌شده پنداشته شده است و تعهد در آن، از نوع روان‌شناختی وابستگی به مکان است. این نوع تعهد بدون دخالت تجربی انسان بر اساس ارزش‌های قراردادی مکان‌محور شکل می‌گیرد. از سوی دیگر، تعهد از نوع روان‌شناختی دل‌بستگی به مکان است که از مسیر عاطفی و تجربه هم‌زمان فرد، او را متعهد به حفاظت مکان تاریخی می‌کند. بر این اساس، مقاله با رویکرد کیفی، راهبرد نمونه موردی، روش تحلیل محتوای کیفی هدایت‌شده و شیوه مصاحبه نیمه ساختاریافته از نمونه هدفمند افراد دل‌بسته به مسجد فرط یزد، درصد توصیف ارزشمندی یک مکان تاریخی از نگرش افراد دل‌بسته به مکان تاریخی، به‌عنوان انگیزه تعهد آن‌ها نسبت به حفاظت یک مکان تاریخی است. در ضمن تفاوت آن با نگرش کارشناسانه و ذیل حس وابستگی به مکان مشخص می‌گردد. انتخاب مصاحبه‌شوندگان از طریق نمونه‌گیری هدفمند متوالی و با روش «نمونه‌گیری نظری» صورت گرفته است.

یافته‌ها تفاوت‌های اساسی را بین ارزش‌های مکان تاریخی در نگرش کارشناسانه (فرد وابسته) و فرد دل‌بسته از لحاظ فرایند ارزش‌گذاری و تشخیص و نوع و اولویت ارزش‌ها نشان می‌دهند. منشأ اصلی این تفاوت‌ها در اصل، به صفر رسیدن زمان در نگرش فرد وابسته و در مقابل، حضور زمان در شکل تجربه هم‌زمان فرد دل‌بسته و ارزش‌گذاری مکان تاریخی در نگرش او است. به‌گونه‌ای که فرد وابسته، ارزشمندی مکان تاریخی را مبتنی بر ارزش‌های مکان‌محور و نیازمحور به‌صورت قراردادی و با اولویت ارزش روز تعریف می‌کند؛ در صورتی که فرد دل‌بسته ارزشمندی مکان تاریخی را در تجربه هم‌زمان خود و مبتنی بر عواطف انسان و تعاملات او با انسان‌های دیگر و مکان تعریف می‌کند و اولویت را به تعاملات اجتماعی و گره‌های عاطفی می‌دهد. با توجه به عمیق‌تر و باثبات‌تر بودن ارتباط انسان‌محور و عاطفه‌محور با مکان تاریخی و همچنین یکسان نبودن نگرش‌ها در ارزش‌گذاری بر اساس یافته‌های پژوهش، نتیجه نهایی این است که در حفاظت باید نگهداشت ارزش‌های خوانش‌شده از فرد انسان‌های دل‌بسته به مکان، در اولویت بالاتری نسبت به ارزش‌های قراردادی اتلاق‌شده توسط نگرش کارشناسانه مدنظر قرار گیرد.

تاریخ دریافت:

۰۴ اردیبهشت ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش:

۱۹ شهریور ۱۴۰۳

کلیدواژه‌ها:

ارزش‌های مکان تاریخی،
دل‌بستگی به مکان،
وابستگی به مکان،
نیاز و عاطفه،
انگیزه حفاظت،

doi : 10.22034/AHDC.2024.21516.1799

E-ISSN: 2645-372X /© 2023. Published by Yazd University This is an open access article under the CC BY 4.0 License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



۱- مقدمه

حفاظت و توسعه مکان تاریخی نوعی تعهد ذهنی و عینی برانگیخته شده بر اثر فرایند شناخت ارزش‌های آن است. این انگیزه و تعهد، عمدتاً بر اساس استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری مکان‌های تاریخی، بدون زمان و مکان، برای همه کارشناسان این حوزه تعریف شده است (بر اساس دیدگاه نظریه‌پردازانی چون لودوک و راسکین (قرن نوزدهم)، موریس و براندی (قرن بیستم)). البته در مقابل این رویه از پیش تعیین شده، دیدگاه مشارکتی بین حوزه کارشناسانه و غیررسمی در اواخر قرن بیستم در حوزه مدیریت مکان‌های تاریخی بروز یافته است (EH, 2000; Graham et al., 2000; Smith, 2006) که در آن بر اهمیت تعریف مردم از مکان تاریخی و معنای آن و شرکت آن‌ها در تصمیم‌گیری‌های مؤثر بر محیط تاریخی تأکید شده است (Hooper-Greenhill, 2000; Sandell, 2007).

همچنین در ادبیات حوزه روانشناسی محیط نیز با تأکید بر حس خاطره‌انگیزی و نوستالژی ناشی از ویژگی‌های قدمت و منحصر به فرد بودن مکان تاریخی، به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های خوشایندساز فضا (Nasar, 2011) و در نتیجه انگیزه تمایل به مجاورت (Hidalgo & Hernández, 2001) و احیای معماری تاریخی (Francaviglia, 1978) در مردم پرداخته شده است. البته تبدیل این تمایل مردم به تعهد خود موضوع روان‌شناسانه‌ای است که ذیل مفاهیم تبیین‌کننده چگونگی تعامل انسان و مکان همچون مکان‌دوستی^۱ (Tuan, 1974)، حس مکان^۲ (Hay, 1998; Steele, 1981)، وابستگی به مکان^۳ (Stokols & Shumaker, 1981; Pretty, Chipuer, & Bramston, 2003)، هویت مکانی^۴ (Proshansky, 1983) و دل‌بستگی به مکان^۵ (Fabian & Kaminoff, 1983) قرار گرفته است. در میان این مفاهیم که از لحاظ نظری و روش‌شناسی همپوشانی دارند (Lewicka, 2011)، به‌طور کلی دو مفهوم وابستگی به مکان و دل‌بستگی به مکان (Jorgensen & Stedman, 2006) مؤید نوع تعهد نسبت به مکان بوده‌اند. وابستگی به مکان، «نیازمحور» و دل‌بستگی به مکان «عاطفه‌محور» (Cuba & Hummon, 1993; Fullilove, 1996; Hidalgo & Hernández, 2001; Relph, 1976) است. گروهی بر اساس انگیزه کارکرد مکان نسبت به تأمین نیاز، بدون درگیر ساختن خود و احساسات خود، وابسته به مکان می‌شوند و تا زمانی که نیاز برطرف شود یا جایگزینی پیدا شود، متعهد به نگهداشت آن می‌باشند؛ در مقابل گروهی دیگر، از مسیر برانگیختگی عواطف و احساسات انسانی خود با مکان تعامل می‌کنند و تا خود آن‌ها و برانگیختگی در تعامل با مکان وجود دارد، متعهد به نگهداشت مکان خواهند بود. گروه اول، تعهد نیازمحور در شکل وابستگی به مکان را تجربه می‌کنند و گروه دوم، در ارتباط عمیق‌تر، تعهد عاطفی پایدارتر دل‌بستگی به مکان (Jorgensen & Stedman, 2006) را تجربه خواهند کرد. بر این اساس مقاله پیش‌رو، با هدف درک ارزش‌های مکان تاریخی و مؤلفه‌های تعریف‌کننده آن‌ها به‌عنوان انگیزه‌ی تعهد ذهنی و عینی پایدارتر افراد دل‌بسته به یک مکان تاریخی، با رویکرد کیفی و استفاده از راهبرد نمونه موردی، روش تحلیل محتوا و شیوه مصاحبه نیمه ساختاریافته در این راستا قدم برداشته است. مسجد فرط یزد را که در دیدگاه کارشناسان، دارای تمامی انواع ارزش‌های تاریخی، فرهنگی و روز است؛ برای مردم غیر کارشناس یزد و به‌خصوص بازاریان از فضاهای معماری مذهبی و تاریخی شناخته شده است، به‌عنوان نمونه مکان مدنظر قرار گرفت.

پرسش‌های پژوهش:

- «انگیزه‌های افراد دل‌بسته به مکان تاریخی جهت حفاظت از آن‌ها کدام‌اند؟»
- «تفاوت ارزش‌های مکان تاریخی در نگرش افراد کارشناس و وابسته با افراد دل‌بسته به مکان تاریخی در چیست؟»

۲- پیشینه پژوهش

در پیشینه تحقیقات و تجارب مدیریت مکان‌های تاریخی، نمونه‌ای که در آن بین هر سه مؤلفه ارزش‌گذاری، مردم و دل‌بستگی به مکان ارتباط برقرار شده باشد و تأثیر دل‌بستگی به مکان، به‌طور خاص و مجزا، بر تعریف مردم از مکان

تاریخی مورد بحث قرار گرفته باشد، دیده نمی‌شود. در پژوهش‌ها بیشتر بر تأثیر تاریخی بودن مکان، در مفهوم کلی آن، در خوشایندسازی فضا و تقویت تعهد نسبت به نگهداشت آن مکان توسط مردم (مانند Nasar, 2011؛ Hidalgo & Hernández, 2001 و Francaviglia, 1978) و تأثیر شرایط انسانی بر سطح و شدت تعهد نسبت به مکان تاریخی (مانند Lewicka, 2010) بحث شده است. البته در تعدادی نیز به ارزش‌های مکان تاریخی از دید مردم پرداخته شده است (مانند Ashworth et al., 2007؛ Graham et al., 2000؛ Forgan, 2008 و Coeterier, 2002)، اما به تأثیر سطح تعهد آن‌ها بر نوع و اولویت‌های خوانش ارزش‌ها اشاره نشده است.

در اوایل قرن ۲۱، در اسناد مرتبط با حوزه حفاظت، مانند «قدرت مکان» (EH, 2000) بر نقش محیط‌های تاریخی برای تقویت حس تعلق در فرایند «شکل‌گیری مکان»^۶ تأکید شده است. در این راستا، نهادهای مرتبط مانند میراث انگلستان به مفهوم «شخصیت‌دادن»^۷ روی آورده‌اند (Grenville and Fairclough, 2004-5). همچنین بر مشارکت مردم، به‌عنوان بخشی از تصمیم‌گیرندگان اصلی فضای معماری تاریخی (میراث)، در تمامی مراحل فرایند مدیریت میراث به‌ویژه ارزیابی ارزش‌های محیط تاریخی و تشخیص آن تأکید شده است (Simakole, Farrelly & Holland, 2019). گراهام و دیگران (2000)، اشوورت و دیگران (2007) بر جنبه‌های روزمره، شخصی و غیررسمی میراث تأکید دارند و آن را تنها متعلق به حوزه کارشناسانه نمی‌دانند. در تعریف میراث، دیم لیز فورگان (2008) و رابرتز و دیگران (2007) از مردم می‌خواهند تا آنها را در مورد ارزشی که آنها می‌خواهند از گذشته به آینده انتقال یابد، متقاعد کنند. «انجمن معماری و محیط مصنوع و آژانس میراث انگلستان»^۸ نیز بر روی شخصیت محلی با به‌کارگیری فرایند مشارکتی «محلّه و ارزیابی میراث»^۹ تمرکز کرده‌اند؛ به‌طوری‌که در پروژه «پارک چیمی‌پوت»^{۱۰} شهر سالفورد، مردم محلی، مناطق دارای شخصیت خاص را مشخص کرده، معنای این مناطق را ارزیابی کرده و همچنین برای برنامه‌ریزی آینده پیشنهادهایی ارائه دادند (EH and CABE, 2008). کوتریر (2002) در پژوهش خود، مدل جامع ترجیحات محیطی نسر-پورسل (۱۹۹۲) که هر دو جنبه شناختی و عاطفی را دربر می‌گیرد را در فرایند ارزش‌گذاری مردم عادی ساکن و غیرساکن نسبت به بناهای تاریخی موردسجش قرار داد. هو، لین و مورایس (2005) تفاوت بین حس تعهد دو گروه از دو قومیت مختلف نسبت به مکان‌های تاریخی را موردبررسی قرار دادند. شارپ و اورت (1999) بازدیدکنندگان را به مکان‌گرا، جامعه‌گرا و عملکردگرا تقسیم کرده‌اند و دسته اول را دارای دل‌بستگی عمیق با مکان دانسته‌اند. لویکا (2010) توانایی ایجاد دل‌بستگی به مکان تازه‌واردان را با محلی‌ها مقایسه می‌کند.

۳- ادبیات پژوهش

ادبیات پژوهش مقاله شامل دو بخش است. در بخش اول به مفاهیم وابستگی به مکان و دل‌بستگی به مکان در حوزه تعامل انسان و مکان و تمایز فرد وابسته از فرد دل‌بسته به مکان یا به‌بیان‌دیگر، تمیز دادن تعهد وابستگی به مکان از دل‌بستگی به مکان پرداخته می‌شود. در بخش دوم نیز ارزش‌های مکان‌های تاریخی در نگرش کارشناس وابسته به مکان، به‌عنوان آنچه تاکنون از مسیر نیازمحور، از قبل تعریف‌کننده ارزشمندی و انگیزه‌ی تعهد به مکان تاریخی ارائه می‌شود.

۳-۱- تعهد فرد نسبت به مکان تاریخی: وابستگی به مکان و دل‌بستگی به مکان

حس «وابستگی به مکان» به‌عنوان تعهدی ضمنی در قبال کارکرد مکان در تأمین اهداف و نیازهای انسان و استطاعت آن برای زمینه‌سازی فعالیتی خاص (Schreyer et al., 1981; Stokols & Shumaker, 1981) قابل‌تعریف است. این حس تعهد به‌واسطه مرجع‌های بیرون از ارتباط فرد و فضا شکل می‌گیرد (حاجیان، ۱۳۸۷)، به‌نوعی از پیش تعیین‌شده است و بدون تأثیر فرد و زمان بروز می‌کند. حضور فیزیکی^{۱۱} انسان در فضا و برداشت انتظارات از فضا، حس وابستگی به مکان را شکل می‌دهد. این وابستگی، به واسطه فرصت تجربه مکان و آشنایی با مکان از لحاظ قابلیت رفع نیازها توسط آن مکان، به وجود می‌آید. بر اساس پژوهش کوبا و هامون (1993)، اگر رفع نیازها در زمان مختص یک فضای خاص شود، «وابستگی ریشه‌دار»^{۱۲} و نوعی حس مالکیت برای انسان نسبت به مکان شکل می‌گیرد.

در حس وابستگی به مکان، نقش مکان بیشتر از نقش انسان است. ارزش‌های قراردادی^{۱۳} مکان محور بر مکان بارگذاری شده و منجر به ویژه‌شدن آن مکان در مقایسه با دیگر مکان‌ها می‌شود. براون و ریموند (2007) لیستی از ارزش‌ها که مکان را برای ساکنین ویژه می‌سازد، ارائه داده‌اند: زیبایی، مفرح، درمان‌کنندگی، تنوع زیستی، ...، میراثی بودن، ارتباطات خانوادگی، طبیعی بودن، اقتصادی، روحانی، پایداری زندگی، یادگیری و آینده. روان‌شناسان محیطی نیز ویژگی‌هایی که ترجیحات یا خوشایندی^{۱۴} را در خود جای دهند، دلیل ویژه‌شدن مکان می‌دانند (Kaplan and Kaplan, 1989; Nasar, 1999). این ویژگی‌ها بیش از ویژگی‌های فردی، به مشخصه‌های مکانی مربوط است (Nasar, 1998; Stamps, 2000). انسان در تجربه حضوری خود در این نوع ارتباط، تنها به قضاوت بین انتظارات می‌پردازد؛ بنابراین می‌توان گفت که وابستگی به مکان به علت رفع نیاز و «ویژه‌شدن» فضا در فرایند «قضاوت» بر اساس معیار «انتظارات» بروز می‌کند.

در مقابل، «دل‌بستگی به مکان» حس تعهدی است که در صورت بروز گره‌های عاطفی در تجربه هم‌زمان و بدون واسطه مراجع بیرونی فضا توسط انسان و در نتیجه شکل‌گیری نوعی ارتباط عاطفی بروز می‌کند؛ به گونه‌ای که هیدالگو و هرناندز (2001) دل‌بستگی به مکان را یک رابطه عاطفی یا ارتباط بین انسان و مکان‌های خاص توصیف می‌کنند. به نظر لائو (1992) دل‌بستگی بیش از آنکه به خود مکان به مثابه مکان باشد، به تعاملات اجتماعی و فرهنگی است که درون و بیرون مکان بروز می‌کند. این دل‌بستگی بر اثر تداوم در یک فضای خاص که با معیارهایی چون میزان سکونت (Riger & Lavrakas, 1981) و مالکیت بر فضا یا بخشی از آن (Cuba & Hummon, 1993)، ریشه‌دار (Tuan, 1974) می‌شود. تداوم حضور و ارتباط مستمر با مکان مهم‌ترین نشانه دل‌بستگی است (van der Graaf, 2009).

به گفته گیدنز (۱۳۹۱) این نوع تعهد را از طریق «خرید زمان» یا «فرصت دادن» نیز می‌توان بازشناخت. منظور فراهم آوردن تکیه‌گاه‌هایی عاطفی است که تداوم آنها دست‌کم تا مدت قابل توجهی در برابر فشار مرجع‌ها و نیازهای بیرونی، تضمین شده باشد. گره‌های عاطفی مانند حس‌های خوشایندی، خودمانی بودن، در خانه بودن، آرامش و مالکیت بروز این تعهد را زمینه‌ساز می‌شوند. البته ثبات عقیده و تعهد درازمدت، به شرط صمیمیت و خصوصیت^{۱۵} وجود خواهد داشت. صمیمیت و خودمانی بودن نیز که وجه دیگری از خصوصیت است یا دست‌کم فقط هنگامی ممکن می‌شود و یا مطلوب است که خصوصیت به مراحل پیشرفته رسیده باشد (گیدنز، ۱۳۹۱)، بالاترین حد حس تعهد را ایجاد می‌کند. در این نوع ارتباط، مکان و انسان در عین تسلط بر خویشتن و از دست ندادن استقلال هویتی خود، آن‌چنان در شکل‌دهی به زندگی‌نامه منسجم یکدیگر و روایت تفسیری از آن باهم همراهی کرده‌اند که در حد اعلائی آن نمی‌توان یکی را از دیگری جدا دانست؛ بنابراین، فرد دل‌بسته در یک فرایند متکی بر خود (انسان) و زمان، با درگیر کردن عواطف متأثر از ویژگی‌های فردی خود، در تجربه هم‌زمان و بدون واسطه از مکان، با تکرار ارتباط (فرصت دادن) با مکان، گره‌های عاطفی را تجربه می‌کند و تعهد در شکل دل‌بستگی به مکان در او شکل می‌گیرد. ثبات این تعهد به بازآفرینی این گره‌های عاطفی و تجربه حس صمیمیت و خودمانی بودن، بستگی دارد. در صورتی که فرد وابسته، در یک روند پیش‌بینی شده متکی بر مکان با ویژگی‌های قراردادی مبتنی بر نیاز و انتظارات تعریف شده، بدون درگیر کردن خود و عواطف خود در این روند، از مکان به‌عنوان یک کالا در راستای رفع نیاز خود بهره می‌برد. ثبات تعهد فرد وابسته به خود او بستگی ندارد و به‌مانند مؤلفه‌های شکل‌دهنده این ارتباط قراردادی، مقطعی و منفک از زمان و فرد است.

۳-۲- ارزش‌های کارشناسانه مکان تاریخی: ارزش‌های مکان تاریخی در نگرش فرد وابسته به مکان

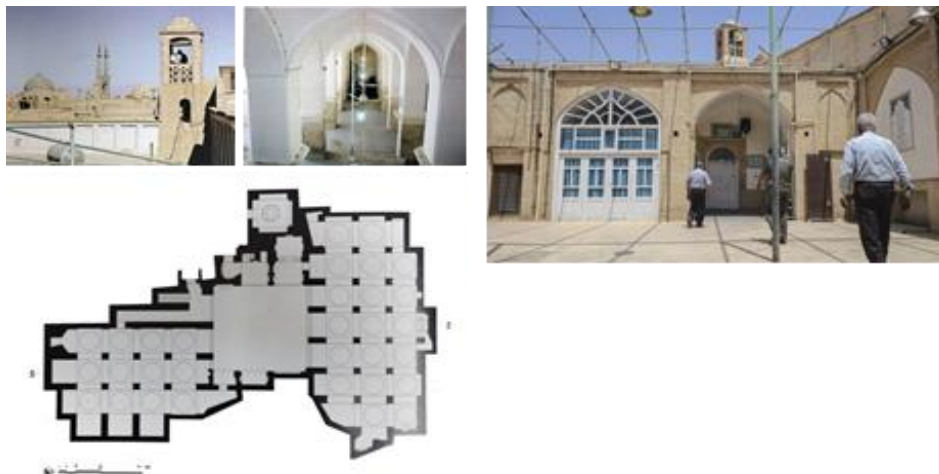
در ادبیات کارشناسانه حفاظت، ارزش‌های قراردادی مکان تاریخی به دو دسته اصلی یعنی «ارزش‌های ماهوی» و «ارزش‌های عارضی» تقسیم می‌شود. ارزش‌های ماهوی که از دو کیفیت زمانی «آن آفرینش» و «تداوم تاریخی» منتج شده است، خود در قالب دو دسته از ارزش‌ها شامل «ارزش‌های تاریخی» و «ارزش‌های فرهنگی»، شناسایی می‌شود. «ارزش‌های عارضی» نیز که در اثر قرارگیری مکان تاریخی در زمان و فضای حال و بالفعل شدن فرصت‌هایی ناشی از آن در قبال سیاست توسعه‌ای روز بدان اتلاق می‌شود، با عنوان «ارزش‌های روز» بیان می‌شوند. به‌این ترتیب، ارزش‌های اثر

تاریخی را می‌توان در سه دسته اصلی «ارزش‌های تاریخی»، «ارزش‌های فرهنگی» و «ارزش‌های روز» خلاصه کرد (رحیم‌زاده و نجفی، ۱۳۸۹؛ Feilden; Jokilehto, 1993).

ارزش تاریخی مبتنی بر فضا (کالبد و عملکرد) است و به گفته براندی (۱۳۹۱)، هنری بودن و تولیدشدن در گذشته را تفهیم می‌کند. «کیفیت ایده»، «کیفیت طراحی»، «کیفیت اجرا»، «کیفیت ارتباط با محیط»، «کیفیت عملکرد» معیارهای تشخیص آن می‌باشند. ارزش فرهنگی نیز به واسطه مراجع بیرونی چون فرهنگ و ایدئولوژی جامعه در شکل «معنای نمادین» فضا و «هویت مکانی» انسان محاط در آن فرهنگ و ایدئولوژی و «روح مکان» به‌عنوان حس‌های ویژه قابل انتظار، به مکان تاریخی اطلاق می‌شود. خاطرات جمعی نیز به‌عنوان محصول زمان گذشته جزء ارزش‌های فرهنگی پنداشته شده است. ارزش روز نیز به‌عنوان کارکرد مکان تاریخی در قبال رفع نیازهای حال و آینده همچون کارکرد کالبدی، عملکردی، اجتماعی-فرهنگی و اقتصادی بر مکان تاریخی بارگذاری می‌شود. ارزش روز انگیزه تعهد در شکل وابستگی به مکان تاریخی را تعریف می‌کند.

۴- روش‌شناسی پژوهش

با توجه به جاری بودن مفاهیم انسان و زمان به‌طور شکلی و محتوایی در مقاله، نوع پژوهش کیفی است و بر اساس ماهیت مبتنی بر تعامل تجربی انسان و مکان، راهبرد نمونه موردی مورد استفاده قرار گرفته است. مسجد فرط یزد نیز به‌عنوان نمونه مکان تاریخی انتخاب شده است که در دیدگاه کارشناسان، تمامی انواع ارزش‌های تاریخی (کیفیت‌های کالبدی (ایده، طراحی و ...) و کیفیت‌های عملکردی)، فرهنگی (معنای نمادین، روح مکان، هویت مکانی و خاطرات جمعی و حافظه تاریخی) و روز (ارزش اجتماعی-فرهنگی روز) را داراست و به خاطر توقف و عبادت امام رضا (ع) در این مسجد مورد توجه تمام مردم یزد است و حضور مردم محلات اطراف و بازاریان به‌طور مستمر و به‌خصوص در مراسم‌های آیینی تاسوعا و عاشورا و شهادت امام رضا (ع) در آن دیده می‌شود. وجود ارتباط مستمر با مکان - که نشانه وجود افراد دل‌بسته به آن مکان است - در یافتن نمونه افراد دل‌بسته به مکان، در زمان کم پژوهش کمک می‌کند. این مسجد در گذر اصلی محله دارالشفاء یزد و در مجاورت مجموعه بازار یزد قرار دارد. بنای اولیه آن در قرن دوم هجری به‌وسیله احمد بن محمد زمجی، یکی از سرداران ابومسلم خراسانی بنا نهاده شده است (مستوفی بافقی، ۱۳۸۴)؛ البته بنای کنونی متعلق به دوره صفوی است (کاتب، ۱۳۵۷) (تصویر ۱). امام رضا (ع) نیز در راه خراسان، در زمان توقف در یزد، در مسجد فرط عبادت می‌کنند (مستوفی بافقی، ۱۳۸۴) و حجره‌ای موسوم به صومعه امام رضا (ع) در سمت شرقی مسجد واقع است (تصویر ۲). مسجد چندین دفعه مرمت می‌شود و فضاهایی به آن اضافه می‌شود (طراز یزدی، ۱۳۴۱). این امر حاکی از اهمیت حفظ این مسجد برای مردم در دوره‌های مختلف بوده است. در حال حاضر، ساکنان محلات اطراف و بازاریان برای مراسم‌های آیینی و نماز به این مسجد می‌روند (تصویر ۳).



تصویر ۱: مسجد فرط یزد، ثبت ملی به شماره ۱۸۲۵



تصویر ۲: صومعه امام رضا (ع)؛ متن کتیبه‌های دو لنگه در آن عبارت است از: وقف کرد بر صومعه متبرکه که امام علی موسی‌الرضا/ میرک شربتدار فی تاریخ سنه ۹۳۷.



تصویر ۳: اقامه نماز؛ عزاداری دهه آخر صفر، به‌ویژه ۳۰ صفر، شهادت امام رضا (ع) و تهیه و پخش نذری

برای جمع‌آوری داده‌ها، با توجه به هدف پژوهش که مبتنی بر برداشت دانش، نگرش‌ها و باورهای افراد است، از شیوه مصاحبه (Rahman, 2015; Adekoya & Guse, 2020)؛ و به دلیل مشخص بودن سؤالات و ضرورت عدم اعمال نظر مستقیم پژوهشگر در بیان پاسخ‌ها، از نوع نیمه‌ساختاریافته استفاده شده است. با توجه به اینکه فرد دل‌بسته به مکان تاریخی ارتباط خود را با مکان در زمان حفظ می‌کند و همچنین اهمیت نوع بیان نظر افراد و تأکیدها و واکنش‌های غیرکلامی آن‌ها، مصاحبه با افرادی که در مکان حضور داشتند و به‌صورت چهره‌به‌چهره صورت گرفته است. برای تحلیل داده‌ها نیز با توجه به رویکرد کیفی پژوهش و با هدف آشکارسازی محتوای پنهانی و مضامین نهفته (Bartlett et al., 2023) در بیان مصاحبه‌شوندگان، از روش تحلیل محتوای کیفی که از راه فرایندهای طبقه‌بندی نظام‌مند، کدبندی و تم‌سازی به تفسیر ذهنی داده‌های متنی می‌پردازد (Hsieh & Shannon, 2005)، به‌صورت هدایت‌شده استفاده شده است. انتخاب مصاحبه‌شوندگان^{۱۶} از طریق نمونه‌گیری هدفمند متوالی و با روش «نمونه‌گیری نظری»^{۱۷} که در آن حجم نمونه آن‌قدر افزایش می‌یابد تا زمانی که دیگر کافی باشد (Banning, 2002; Adekoya & Guse, 2020)، استفاده شده است.

۴-۱- سؤالات مصاحبه

سؤالات دو موضوع کلی را مدنظر قرار داده است: دل‌بسته‌بودن افراد به مکان تاریخی؛ و تفسیرهای افراد دل‌بسته نسبت به ارزش‌های مکان تاریخی. سؤالات، در حین مصاحبه با نخستین نفرات و با توجه به شرایط مکانی تدقیق گردید و در جزئیات تغییر یافت. قابل‌ذکر است به‌غیراز سؤالات بخش اصلی مصاحبه، سؤالاتی نیز برای تأمین کدهای انتسابی - مانند نام و نام خانوادگی، سن، تحصیلات و ...- از مصاحبه‌شوندگان، تنظیم و پرسیده شده است. با توجه به اینکه در بخش مبانی نظری تداوم حضور و ارتباط مستمر با مکان، به‌عنوان مهم‌ترین نشانه دل‌بستگی ارائه شده است و همچنین سؤالات مطرح‌شده در زمینه سنجش دل‌بستگی به مکان توسط ریجر و لاوراکاس (1981)، کوبا و هومان (1993) و ون در گراف (2009) مؤید آن است، برای اطمینان از تداوم ارتباط اختیاری و شناسایی افراد دل‌بسته به مکان، مدت‌زمان حضور افراد در مکان را در ذیل سؤال «چه مدتی است که در این مکان حضور پیدا می‌کنید؟» مطرح شد. البته با توجه به استفاده از شیوه مصاحبه، سؤالاتی به‌صورت زیرمجموعه سؤال اصلی یا به موازات آن مانند «زمان زیادی

است که در این مکان حضور پیدا می‌کنید؟»، «این حضور چه مدت یک‌بار اتفاق می‌افتد؟» و ... مطرح شده است. قابل ذکر است با توجه به پژوهش‌های هی (1998)، لویکا (2010) و کلی و هاسکینگ (2008) و مدت زمان ۲۵ ساله یک نسل، اگر میزان حضور در مکان و ارتباط با آن از ۲۵ سال بگذرد، عمق و ثبات ارتباط عاطفی در حد بالایی قرار خواهد داشت. برای دریافت ارزش‌های مکان تاریخی از نظر افراد دل‌بسته، دو سؤال «هر آنچه در طول ارتباط با فضا برای شما اهمیت داشته است و باعث ارزشمندی آن برای شما شده است را بیان کنید.» و «اگر کدامیک از مؤلفه‌های ارزشی حذف شود، شما ارتباط خود با فضا را ادامه نمی‌دهید؟» مطرح شد. به‌جای این دو سؤال ابتدا سؤال «ارزش‌های مکان تاریخی به نظر شما چیست؟» در نظر گرفته شده بود که مصاحبه‌شوندگان ابتدایی فقط به ارزش‌های تاریخی و فرهنگی چارچوب کارشناسانه اشاره داشتند. بر این اساس، برای اشاره افراد به حس‌های احتمالی خود که مؤید دل‌بستگی آن‌ها به مکان تاریخی نیز است، سؤال تغییر داده شد و در سؤال اول، از عبارات «هر آنچه»، «برای شما» و «اهمیت دارد»، استفاده شد. در این سؤال، هدف یافتن تمامی مؤلفه‌های ارزشمندساز مکان تاریخی و دسته‌بندی آنها و مفهوم ارزش‌ها در تفسیر فرد دل‌بسته به مکان تاریخی است. همچنین در مصاحبه‌های اولیه، مشخص شد که بر اساس فراوانی کدهای ارزشی نمی‌توان با قطعیت اولویت‌ها را مشخص کرد؛ زیرا امکان داشت فرد دل‌بسته با اهمیت‌ترین ارزش‌ها از نظر خود را با یک کد ارزشی بیان کند و با توجه به فردی بودن ارزش‌ها، امکان فراوانی یک کد در بیان افراد مختلف نیز قابل اطمینان نبود؛ بنابراین از سؤال دوم، برای تعیین اولویت ارزش‌ها برای فرد دل‌بسته به مکان تاریخی استفاده شد (جدول ۱).

جدول ۱: سؤالات مصاحبه

شماره	سؤال	هدف
۱	«چه مدتی است که در این مکان حضور پیدا می‌کنید؟»	- تمایز فرد دل‌بسته از وابسته - تعهد فرد نسبت به ارتباط - اختیاری بودن ادامه ارتباط
۲	هر آنچه در طول ارتباط با فضا برای شما اهمیت داشته است و باعث ارزشمندی آن برای شما شده است را بیان کنید.	- دسته‌بندی کلی ارزش‌های مکان تاریخی - مضمون ارزش‌ها
۳	اگر کدامیک از مؤلفه‌های ارزشی حذف شود، شما ارتباط خود با فضا را ادامه نمی‌دهید؟	- اولویت ارزش‌ها

۴-۲- فرایند مصاحبه

مصاحبه به صورت حضوری و در مسجد فرط در خرداد و تیرماه صورت گرفت. مصاحبه در ساعات به‌غیراز زمان اذان و برپایی نماز صورت گرفت. این امر به دلیل عدم تأثیر بیش‌ازحد عملکرد مذهبی مسجد به‌عنوان تنها دلیل حضور افراد در مسجد لازم به نظر می‌رسید. برای شروع مصاحبه، یک بئر حاوی اطلاعات کلی پروژه و پژوهشگر تهیه و با هماهنگی صورت گرفته با خادم مسجد در کنار ورودی مسجد نصب شد. بئر به‌عنوان ابزار کمکی در راستای جلب توجه و اعتماد مردم استفاده شد. سپس از افرادی که به بئر توجه کرده و در نتیجه نشانه‌ای از تمایل آنها برای شرکت در فرایند مصاحبه مشاهده شد، با ارائه توضیحاتی کوتاه در مورد پژوهش و اهداف آن، سؤال ۱ پرسیده شد. در صورت پاسخ مثبت و مناسب به این سؤال، سؤالات ۲ و ۳ پرسیده شد. در پایان مصاحبه، اطلاعات شخصی مصاحبه‌شوندگان نیز پرسیده شد. البته در تمام مراحل مصاحبه، به مصاحبه‌شوندگان اطمینان داده شد که مشارکت در مطالعه کاملاً داوطلبانه است و اطلاعات شخصی آنها در اختیار هیچ مرجعی به‌غیراز دانشگاه قرار نخواهد گرفت.

از ۶۰ نفری که در این مصاحبه شرکت کردند، ۲۰ نفر به سؤال ۱ پاسخ مثبت و قابل اطمینان ندادند و ۳ نفر نیز به سؤال ۳ پاسخ ندادند؛ بنابراین ۳۷ نفر از آنها به تمامی سؤالات پاسخ دادند. البته از نفر ۲۹ام به بعد، کدهای جدید قابل‌ارائه اشاره نشد؛ اما برای اطمینان از اشباع نظری مصاحبه تا ۳۷ امین نفر ادامه یافت.

۵- یافته‌ها

یافته‌ها، نتیجه کدگذاری و تحلیل مصاحبه از ۳۷ نفر دل‌بسته به مسجد فرط است.

۵-۱- ارزش‌های مکان تاریخی در نگرش افراد دل‌بسته به مکان تاریخی

برای یافتن ارزش‌هایی که افراد دل‌بسته به مکان تاریخی برای آن قائل‌اند، بر روی پاسخ‌های آنها به سؤال دوم، کدگذاری ارزشی با استفاده از کدهای پیش‌ساخته و کدهای زنده صورت گرفت. البته با توجه به فردی بودن ارزش‌ها و عدم تعمیم‌پذیری آنها، این ارزش‌ها تنها نظر افراد مصاحبه‌شونده است.

کدهای ارزشی ارائه‌شده عبارت‌اند از: زیبایی، حس امنیت، آرامش و خودمانی‌بودن، خوشایندی، تناسب فضایی و عملکردی، منحصربه‌فرد بودن، تحسین‌برانگیزی، هماهنگی، قدمت، نمادین بودن، جمعی بودن، سلسله‌مراتب فضایی و عملکردی، رسومات مذهبی و آیینی، خاطرات بزرگ‌ترها از فضا، احساس احترام، حضور مردم در فضا، خوانایی، دورهم‌نشینی بازاری‌ها و پیرمردهای محله، بازی کودکان.

به‌طور مثال حاصل کدبندی ارزشی بر روی بخشی از مصاحبه آقای ه. ح. ۷۶ ساله، کدهای (۱) منحصربه‌فرد بودن؛ (۲) زیبایی؛ (۳) تحسین‌برانگیز؛ (۴) نمادین بودن؛ (۵) حضور افراد مختلف؛ (۶) سرزندگی اجتماعی؛ (۷) خوشایندی؛ و (۸) اشتراک هویتی است:

به گویش یزدی:

«به نظر من (۱) مسجدی مثل مسجد فرط نی. اینجا (۲) جوئون و خشه و برای من (۳) علاوه‌تیره. مسجد فرط (۴) نشونه‌ی مذهبی محله‌مونه و همه یزدیا اونا مشناسن. (۵) اومدن آدمای مختلف از توریستا تا نمازخونا نشونه (۶) زنده‌بودن و (۷) خش بودن اینجا هه. ... من از (۸) بچگی به اینجا میومدم. (۸) اتفاقای خوب و بد زیادیه که هنوز یادم هه. بیشتر وقتا آقابزرگ خدایامرز منا برای نماز اینجا می‌آورد...»

به گویش رسمی:

«به نظر من، مسجد فرط (۱) بی‌نظیر است. اینجا (۲) زیبا و (۳) خارق‌العاده است. مسجد فرط (۴) نماد مذهبی محله ماست و همه یزدی‌ها آن را می‌شناسند. (۵) حضور افراد مختلف از گردشگرها تا نمازگزاران نشانه (۶) زنده‌بودن آن است که من این را (۷) دوست دارم. ... من از (۸) بچگی به اینجا رفت و آمد داشتم. (۸) خاطرات زیادی از این مکان دارم. بیشتر وقت‌ها پدربزرگم من را برای نماز به اینجا می‌آورد...»

کدهای ارزشی در ذیل ۴ مقوله «ارزش‌های مترتب بر ارتباط انسان‌های دیگر با فضا» مبتنی بر خاطرات جمعی، «ارزش‌های مترتب بر فضا و عملکرد»، «ارزش‌های مبتنی بر ارتباط بین فردی درون فضا»، «گره‌های عاطفی بین فرد و فضا» قرار می‌گیرد (جدول ۲).

جدول ۲: ارزش‌ها و مقوله‌های ارزشی مکان تاریخی در نگرش فرد دل‌بسته به مکان تاریخی

مقوله‌های ارزشی	کدهای ارزشی
ارزش‌های مترتب بر فضا و عملکرد	زیبایی، تناسب فضایی و عملکردی، خوانایی، سلسله‌مراتب فضایی و عملکردی، هماهنگی
ارزش‌های مترتب بر ارتباط انسان‌های دیگر با فضا ^{۱۸}	خاطرات بزرگ‌ترها (خاطرات جمعی)
گره‌های عاطفی	حس امنیت، آرامش و خودمانی‌بودن، حس احترام، خوشایندی، منحصربه‌فرد بودن، قابل تحسین بودن، نمادین بودن
ارزش‌های مبتنی بر ارتباط بین فردی	فضای جمعی بودن، رسم‌های مذهبی در فضا، حضور مردم، دورهم‌نشینی بازاری‌ها و پیرمردهای محله، بازی کودکان

۵-۲- اولویت ارزش‌ها در نگرش فرد دل‌بسته به مکان تاریخی

بیشتر افراد در پاسخ به سؤال سوم، از بین رفتن فضای خودمانی و آرامش فضا را دلیل عدم تداوم ارتباط با مسجد مطرح کردند. آقای م. د. ۵۷ ساله در پاسخ، حذف صمیمیت شکل‌گرفته در فضای مسجد که منجر به خودمانی‌بودن آن است را دلیل کاهش ارتباط با فضا اعلام می‌کند.

به گویش یزدی:

«اگه نمازی که غروبا مخونم و ما کاسبا حرفامونو میتونم بدون رودربایسی و لاپوشونی با هم بزئم، نباشه، ممکنه من

دیه این‌جوری پشت سر هم به اینجا نیام»

به گویش رسمی:

«اگر نماز مغرب که در مسجد برپا می‌شود و باعث شکل‌گرفتن گفتگوی صمیمانه بین ما کاسب‌های بازار می‌شود،

دیگر برگزار نشود، من شاید دیگر مثل حالا به اینجا نیام.»

تعدادی از افراد نیز اذعان کردند که به دلیل ارتباط طولانی با مکان، هیچ وجه ارتباطشان با فضا قطع نخواهد شد.

آقای ه.ح. ۷۶ ساله در این ارتباط گفته است:

به گویش یزدی:

«من از بچگی تو اینجا بودم و خیلی خاطره دارم و فکرش هم نمکنم هیچ وقت بشه که به مسجد نیام...»

به گویش رسمی:

«من از کودکی با این مکان ارتباط داشتم و خاطرات زیادی از آن دارم و هیچ وقت فکر نمی‌کنم و نمی‌خواهم روزی

بیاد که به مسجد نیام...»

بنابراین اولویت مقوله‌های ارزشی برای افراد دل‌بسته عبارت‌اند از: گره‌های عاطفی که خود به ترتیب شامل گره‌های

عاطفی مبتنی بر ارتباط‌های بین فردی و گره‌های عاطفی مبتنی بر فضا می‌شود، ارزش‌های مبتنی بر ارتباط بین فردی،

ارزش‌های مترتب بر ارتباط انسان‌های دیگر با فضا، ارزش‌های مترتب بر فضا و عملکرد (تصویر ۴).



تصویر ۴: اولویت ارزش‌ها در بیان فرد دل‌بسته به مکان تاریخی

۶- نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های پژوهش، تفاوت‌های اساسی بین ارزش‌های مکان تاریخی در نگرش فرد وابسته (نگرش کارشناسانه) و دل‌بسته از لحاظ فرایند ارزش‌گذاری و تشخیص و نوع و اولویت ارزش‌ها وجود دارد.

در فرایند ارزش‌گذاری و تشخیص، فرد وابسته به مکان با واسطه مراجع بیرونی و بدون حضور تجربی خود بر

مبنای قضاوت مکان تاریخی بر پایه ارزش‌های قراردادی مکان‌محور و از پیش تعریف‌شده، ارزشمندی مکان تاریخی را

تأیید می‌کند. در دیدگاه فرد وابسته، مکان تاریخی محصول گذشته پنداشته می‌شود که در فرایند ارزش‌گذاری، ارزش‌های

گذشته آن بازخوانی می‌شود و در امکان‌سنجی کارکردی نسبت به تأمین نیازهای روز مورد استفاده قرار می‌گیرد. در صورتی که

فرد دل‌بسته به مکان، بدون واسطه و در تجربه هم‌زمان خود، ارزش‌های مکان تاریخی را بر اساس گره‌های عاطفی شکل گرفته در زمان حال تعریف می‌کند. در دیدگاه فرد دل‌بسته، مکان تاریخی محصول اجتماعی زمانه (زمان حال) است و آن به آن، در تعامل با او بازتولید و ارزش‌گذاری می‌شود.

از لحاظ نوع ارزش‌ها، فرد وابسته به مکان با نگرش کارشناسانه خود، ارزش‌های ماهوی مکان تاریخی را مبتنی بر محصول گذشته یا به‌بیان‌دیگر، مبتنی بر مکان (تاریخی) و در ذیل مفاهیم ارزش‌های تاریخی و فرهنگی بازگذاری شده در گذشته به‌عنوان داشته‌های فضا توصیف می‌کند. در مقابل، باینکه فرد دل‌بسته به مکان، به‌نوعی ارزش‌های ماهوی (تاریخی و فرهنگی) مبتنی بر مکان را در ذیل ارزش‌های مترتب بر فضا و عملکرد و ارزش‌های مترتب بر ارتباط انسان‌های دیگر با فضا تعریف می‌کند، اما این ارزش‌ها محصول گذشته نبوده و در زمان حال و تنها به‌واسطه ارتباط عاطفی خود فرد دل‌بسته به مکان تعریف می‌شود و حتی به‌خاطراتی ارزش گذاشته می‌شود که توسط افراد دارای ارتباط عاطفی با فرد دل‌بسته تعریف شده باشد؛ مانند بزرگ‌ترهای منتخب فرد دل‌بسته. در نگرش کارشناسانه فرد وابسته، حتی روح مکان به‌عنوان ارزش ناشی از ارتباط انسان و فضا، به‌عنوان حس‌های ویژه قابل‌انتظار و داشته‌های فضا از گذشته تلقی شده است؛ در صورتی که در نگرش فرد دل‌بسته به مکان مؤلفه‌های تعریف‌کننده این ارزش در ذیل گره‌های عاطفی مبتنی بر فضا مانند حس امنیت و خوشایندی و به‌واسطه برانگیختگی عاطفی فرد دل‌بسته با مکان تاریخی در زمان حال تعریف می‌شوند. ارزش عارضی یا ارزش روز نیز در نگرش کارشناسانه فرد وابسته به مکان به‌عنوان کارکرد این محصول گذشته (مکان تاریخی) به‌عنوان یک کالا در قبال رفع نیازهای حال و آینده جامعه همچون کارکرد کالبدی، عملکردی، اجتماعی-فرهنگی و اقتصادی بر مکان تاریخی بازگذاری می‌شود؛ اما در دیدگاه فرد دل‌بسته به مکان تاریخی ارزشی مختص حال و آینده و جدای از گذشته تعریف نمی‌شود و همچنان که گفته شد، همه ارزش‌ها در زمان حال و هم‌زمان با تجربه عاطفی فرد دل‌بسته تولید و بازتولید می‌شوند. البته کارکرد مکان تاریخی در فرصت ایجاد گره‌های عاطفی مبتنی بر فضا و مبتنی بر ارتباط بین فردی و تقویت آن‌ها تعریف می‌شود.

اولویت ارزش‌ها در نگرش فرد وابسته به مکان تاریخی با ارزش روز به‌عنوان انگیزه و اولویت اول تعهد نسبت به مکان تاریخی به‌عنوان فرصتی در قبال نیازهای حال و آینده از پیش تعیین شده است. در صورتی که در نگرش فرد دل‌بسته به مکان تاریخی، تعاملات اجتماعی و گره‌های عاطفی مبتنی بر این ارتباط که در و با فضا شکل گرفته در اولویت بالا قرار دارد و ارزش روز تعریف شده در نگرش فرد وابسته به مکان جایگاهی در اولویت‌های ارزشی فرد دل‌بسته ندارد.



تصویر ۵: تفاوت ارزش‌های مکان تاریخی در نگرش فرد وابسته و دل‌بسته به مکان تاریخی

فرد وابسته ارزشمندی مکان تاریخی را از بیرون و بدون حضور و دخالت تجربی خود و دیگران، با تفکیک زمانی آن در گذشته، حال و آینده، برای تمام تجربه‌کنندگان مکان، به‌طور یکسان تعریف می‌کند. در صورتی که فرد دل‌بسته مکان تاریخی ارزشمندی آن را به‌واسطه حضور تجربی خود در فضا و تعامل با انسان‌های درون و مرتبط با فضا و بدون جداسازی زمان از فضا، در زمان حال بر اساس گره‌های عاطفی شکل گرفته خود و دیگران با مکان، به‌صورت فردی تعریف می‌کند.

در نهایت، با توجه یافته‌ها و نتایج پژوهش حاضر و همچنین با توجه به آنچه در پیشینه پژوهش بیان شد که در ارتباط افراد غیرکارشناس و فرایند تشخیص و تصمیم‌گیری برای مکان تاریخی، عمدتاً نظرات مردم به صورت توده‌ای و بدون تأثیر دادن متغیر احساسات و عواطف آنها در نظر گرفته شده است و یا در مواردی که مردم به صورت گسترده در فرایند تشخیص مکان تاریخی شرکت داشته‌اند، در نقش یک کارشناس و به واسطه انتظارات، مکان تاریخی را قضاوت کرده‌اند و تأثیر مستقیم و مجزای عواطف و ارتباط روانشناسانه دل‌بستگی به مکان آن‌ها در ارزش‌گذاری مکان تاریخی دخالت داده نشده است و بالتبع، مورد خوانش و پژوهش نیز قرار نگرفته است؛ تأکید می‌شود در فرایند ارزش‌گذاری یک مکان تاریخی علاوه بر تشخیص ارزش‌های تاریخی، فرهنگی و روز بر مبنای استانداردهای کارشناسانه و از پیش تعیین‌شده مبتنی بر وابستگی به مکان که با روش‌های ماهیتاً کمی و شیوه‌های منتزع از زمان و مکان انجام می‌شود؛ ارزش‌های مؤثر و متأثر از عواطف برانگیخته‌شده در تعامل انسان‌ها با مکان تاریخی مبتنی بر دل‌بستگی به مکان نیز با مراجعه به فرد انسان‌های دل‌بسته به مکان، با روش‌های ماهیتاً کیفی و شیوه‌های متکی بر زمان و مکان خوانش شده و مورد حفاظت قرار گیرد. همچنین می‌توان گفت با توجه به عمیق‌تر بودن و ثبات بیشتر تعهد ناشی از ارتباط عاطفی نسبت به ارتباط نیازمحور، اولویت نگهداشت و حفاظت با ارزش‌های انسان‌محور و مستخرج از افراد دل‌بسته به مکان است.

پی‌نوشت‌ها

۱. Topophilia: پیوند عاطفی بین انسان‌ها و محیط کالبدی (Tuan, 1974).

2. Sense of place
3. Place dependence
4. Place identity
5. Place attachment

۶. Place-Shaping: این مفهوم راهبردی است برای حکمروایی محلی که توسط نقش‌آفرینان محلی برای شکل دادن به مکانی که برای تمامی ساکنان آن خوشایند باشد، به کار برده می‌شود (Hambleton, 2017).

7. Characterisation
8. Commission for Architecture and the Built Environment (CABE) and English Heritage
9. Townscape and heritage appraisals
10. Chimney Pot Park

۱۱. منظور از حضور فیزیکی، عدم دخالت انسان و تجربه او در زمان، در معنا دادن به فضا است.

۱۲. Rootedness dependence

۱۳. این ارزش‌ها بدون دخالت تجربه انسان کنونی و قضاوت او و مترتب به زمان گذشته و آینده پیش‌بینی‌شده به فضا اطلاق می‌شود و به جای تبدیل فضا به مکان، آن را به کالایی با ارزش تبدیل می‌کند.

14. Likeability
15. Privacy

۱۶. در پژوهش‌های کیفی، به جای نمونه‌گیری، از انتخاب موارد یا مشارکت‌کنندگان نام برده می‌شود (Curtis et al., 2000).

17. Theoretical sampling

۱۸. این ارزش‌ها در تجربه مستقیم فرد دل‌بسته شکل نگرفته است و شامل ارزش‌های مکان تاریخی برای افرادی است که فرد دل‌بسته به آنها دل‌بستگی دارد.

منابع

- براندی، چزاره (۱۳۹۱). نظریه‌های مرمت. ترجمه پیروز حناچی. چاپ سوم. تهران: دانشگاه تهران.
- رحیم‌زاده، محمدرضا و نجفی، مهنام (۱۳۸۹). جایگاه درک ارزش‌های ماهوی اثر تاریخی در روند احیاء. در مجموعه مقالات نخستین همایش شناخت و معرفی مزیت‌ها و ظرفیت‌های احیاء و بهره‌برداری از اماکن تاریخی و فرهنگی. سازمان میراث فرهنگی، صندوق احیاء و بهره‌برداری از بناها و اماکن تاریخی و فرهنگی.

- طراز یزدی، عبدالوهاب بن عبدالکریم (۱۳۴۱). کتابچه شرح موقوفات یزد. به کوشش ایرج افشار. تهران: فرهنگ ایران زمین.
- کاتب، احمدبن علی (۱۳۵۷). تاریخ جدید یزد. به کوشش ایرج افشار. تهران: امیرکبیر.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۹۱). تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید. ترجمه ناصر موققیان. چاپ هشتم. تهران: نشر نی.
- مستوفی بافقی، محمد مفید (۱۳۸۴). جامع مفیدی. جلدهای ۱ و ۳. به کوشش ایرج افشار. تهران: اندیشه.
- Altman, I. & Low, S.M. (1992). Place Attachment. New York: Plenum Press.
- Ashworth, G., Graham, B. and Tunbridge, J. (2007). Pluralising Pasts: heritage, Identity and Place in Multicultural Societies. London: Pluto.
- Banning, E.B. (2002). Archaeological survey. London: Kluwer Academic/ Plenum Publishers.
- Brown, G. & Raymond, C. (2007). The relationship between place attachment and landscape values: Toward mapping place attachment. Applied Geography, 27(2): 89-111.
- Coeterier, J.F. (2002). Lay peoples evaluation of historic sites. Landscape and urban planning, (59): 111-123.
- Cohen, L., Manion, L. & Morrison, K. (2007). Research methods in education. 6th ed. London, New York: Routledge.
- Cuba, L. & Hummon, D.M. (1993). A place to call home: Identification With Dwelling, Community, and Region. Sociological Quarterly, 34(1): 111-131.
- Curtis, S., Gesler, W., Smith, G. & Washburn, S. (2000). Approaches to sampling and case selection in qualitative research: examples in the geography of health. Social Science & Medicine 2000, 50(7-8): 1001-1014.
- English Heritage. (2000). Government Review of Policies Relating to the Historic Environment. Available at <http://www.englishheritage.org.uk/discovery/heritagereview/consultation/index.asp> (accessed 21.3.2020).
- English Heritage and Commission for the Built Environment. (2008). Character and Identity: Townscape and heritage appraisals in housing market renewal area. Available at http://www.cabe.org.uk/publications/character_and_identity (accessed 21.3.2019).
- Feilden, B. & Jokilehto, J. (1993). Management Guidelines for world Cultural Heritage Sites. Rome: ICCROM.
- Francaviglia, R.V. (1978). Xenia Rebuilds: Effects of Predisaster Conditioning on Postdisaster Redevelopment. Journal of the American Institute of Planners, 44(1): 13-24.
- Fullilove, M.Th. (1996). Psychiatric implications of displacement: contributions from the psychology of place. The American Journal of Psychiatry, (153): 1516-1523.
- Graham, B., Ashworth, G.J. and Tunbridge, J.E. (2000). A Geography of Heritage: Power, Culture and Economy. London: Arnold.
- Grenville, J. and Fairclough, G. (2004-5). Characterisation: Introduction. Conservation Bulletin, 47(Winter): 2-3.
- Forgan, L. (2008). Britishness— a values based approach is not enough. Available at http://www.thersa.org/data/assets/pdf_file/0019/120394/Transcript-Dame-Liz-Forgan.pdf.
- Hay, R. (1998). A Rooted Sense of Place in Cross-cultural Perspective. The Canadian Geographer, 42(6): 245-266.

- Hambleton, R. (2017). Place in Public Policy: Place-making, Place-shaping and Place-marketing. Presentation to the International Centre for Local and Regional Development Conference on Our Future in Place, Sligo, Ireland, 9 February 2017.
- Hidalgo, M.C. & Hernández, B. (2001). Place attachment: conceptual and empirical questions. *Journal of Environmental Psychology*, 21(3): 273-281.
- Hirshleifer, J. & Riley, J.G. (2002). *The Analytics of Uncertainty and Information*. 7th ed. Cambridge: Cambridge university press.
- Hooper-Greenhill, E. (2000). *Museums and the interpretation of visual culture*. New York: Routledge.
- Hou, J.S., Lin, C.H. & Morais, D.B. (2005). Antecedents of Attachment to a Cultural Tourism Destination: The Case of Hakka and Non-Hakka Taiwanese Visitors to Pei-Pu, Taiwan. *Journal of Travel Research*, 44(2): 221-233.
- Hsieh, H.F. & Shannon, S.E. (2005). Three Approaches to Qualitative Content Analysis. *Qualitative Health Research*, 15(9): 1277-1288.
- Jorgensen, B. & Stedman, R. (2006). A Comparative Analysis of Predictors of Sense of Place Dimensions: Attachment to, Dependence on, and Identification with Lakeshore Properties. *Journal of Environmental Management*, (79): 316-327.
- Kaplan, R. & Kaplan, S. (1989). *Experience of Nature*. New York: Cambridge.
- Kelly, G. & Hosking, K. (2008). Nonpermanent Residents, Place Attachment, and “Sea Change” Communities. *Environment and Behavior*, 40(4): 575-594.
- Lewicka, M. (2010). What makes neighborhood different from home and city? Effects of place scale on place attachment. *Journal of Environmental Psychology*, 30(1): 35-51.
- Lewicka, M. (2011). Place attachment: How far have we come in the last 40 years? *Journal of Environmental Psychology*, 31(3): 207-30.
- Low, S.M. (1992). Symbolic ties that bind: place attachment in the plaza. In *Place attachment*. Edited by Altman, I. & Low, S.M. New York : Plenum Press.
- Nasar, J.L. (1998). *The Evaluative Image of the City*. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Nasar, J.L. (1999). *Design by Competition: Making Design Competitions Work*. New York: Cambridge.
- Nasar, J.L. (2011). *Environmental Psychology and Urban Design*. In companion to urban design. Edited by Banerjee, T. & Loukaitou-Sideris, A. Abingdon: Routledge.
- Pretty, G., Chipuer, H. & Bramston, P. (2003). Sense of Place amongst Adolescents and Adults in Two Rural Australian Towns: The Discriminating Features of Place Attachment, Sense of Community and Place Dependence in Relation to Place Identity. *Journal of Environmental Psychology*, (23): 273-287.
- Proshansky, H., Fabian, A. & Kaminoff, R. (1983). Place-identity: Physical World Socialization of the Self. *Journal of Environmental Psychology*, 3(1): 57-83.
- Purcell, A.T. & Nasar, J.L. (1992). Experiencing other people's houses: A model of similarities and differences in environmental experience. *Journal of Environmental Psychology*, 12(3): 199-211.
- Relph, E. (1976). *Place and Placelessness*. London: Pion.
- Riger, S. & Lavrakas, P.J. (1981). Community ties: Patterns of attachment & social interaction in urban neighborhoods. *American Journal of Community Psychology*, 9(1): 55-66.
- Roberts, S., Emerick, K., Drake, A., Willis-Brown, B., Cullen, P., Condy, K., Burke, P., Sell, J. & Clarke, K. (2007). Communities and Heritage. *Conservation Bulletin*, (55): 4-15.

- Sandell, R. (2007). *Museums, Prejudice and the Reframing of Difference*. New York: Routledge.
- Scannell, L. & Gifford, R. (2010). Defining place attachment: A tripartite organizing framework. *Journal of Environmental Psychology*, 30(1): 1-10.
- Schreyer, R., Jacob, G. & White, R. (1981). Environmental meaning as a determinant of spatial behavior in recreation. In *Proceedings of the applied geography conferences*, (4): 294-300.
- Sharpe, E.K. & Ewert, A.W. (1999). Interferences in place attachment: implications for wilderness. paper presented to Wilderness Science in a Time of Change Conference, Missoula, Montana.
- Simakole, B.M., Farrelly, T.A. & Holland, J. (2019). Provisions for community participation in heritage management: case of the Zambezi Source National Monument, Zambia. *International Journal of Heritage Studies*, 25(3): 225-238.
- Smith, L. (2006). *Uses of Heritage*. London: Routledge.
- Stamps, A. (2000). *Psychology and the Aesthetics of the Built Environment*. Boston: Kluwser Academic.
- Steele, F. (1981). *The sense of place*. Boston: CBI Publishing Co.
- Stokols, D. & Shumaker, S.A. (1981). *People in places: A transactional view of settings, Cognition, social behavior and the environment*. Hillsdale, N.J.: Erlbaum.
- Tuan, Y.F. (1974). *Topophilia: A Study of Environmental Perception, Attitudes and Values*. Englewood Cliffs, New Jersey: Prentice - Hall Inc.
- van der Graaf, P. (2009). *Out of place? Emotional ties to the neighbourhood in urban renewal in the Netherlands and the United Kingdom*. Amsterdam: Vossiuspers UvA -Amsterdam University Press.
- Veal, A.J. (2011). *Research methods for leisure & tourism: a practical guide*. 4th ed. Harlow: Pearson Education Limited.
- Weber, R.P. (1990). *Basic Content Analysis*. Beverly Hills, CA: Sage.

Original Research Article

The value of historical places from the viewpoint of the people attached to those places: A case study of Fort Mosque in Yazd

Mahmoud Poursarrajian^{1*}

1- Assistant professor, Department of Architecture, Art and Architecture School, Yazd University, Iran.

 : 10.22034/AHDC.2024.21516.1799

Received:

April 23,
2024

Accepted:

September 9,
2024

Keywords:

Values of historical place, Place attachment, Place dependence, Need and emotion, Motivation for conservation

Abstract

The conservation of historical places requires the recognition of their values as the motivation for this commitment. Currently, this motivation and obligation is considered predetermined, and the obligation is the psychological attachment to the place. This type of commitment is formed without the intervention of human experience based on contractual values of locations. Also, place attachment makes one committed to the conservation of a historical place. Based on this, the present research seeks to understand the values of historical places and define their components as a motivation for the more sustainable mental and objective commitment of people attached to those places. Thus, the questions to answer are ‘What are the motivations of people attached to historical places to conserve them?’ and ‘What is the difference between the values of historical places in the attitude of experts and people attached to those places?’. In order to achieve this goal, a qualitative approach, a case study strategy, a guided qualitative content analysis method and a semi-structured interview were used from a targeted sample of the people attached to Fort Mosque in Yazd, as a well-known historical and religious architecture. In the opinion of experts, this mosque has all kinds of historical, cultural, and current values. Moreover, considering Imam Reza’s (pbuh) stopping and worshiping in this mosque, it is of interest to all the people in Yazd; the presence of people from the surrounding neighborhoods and markets can be seen in it continually. This mosque is located in the main crossing of the Dar al-Shafa neighborhood of Yazd and adjacent to Yazd Bazaar complex. Its original building belongs to the 2nd century AH, and the current building belongs to the Safavid period. To collect the data, interviews were conducted with people who were present in the place. The guided qualitative content analysis method was used for data analysis. The selection of the interviewees was done through sequential purposive sampling and the theoretical sampling method. Out of 60 people who participated in this interview, 37 answered all the questions. Of course, from person 29 onwards, the new codes that could be provided were not mentioned. But, for theoretical saturation, the interviews continued until the 37th person. The findings show that the values of historical places in the attitude of people attached to them are of four categories including a) values caused by other people's relationship with space, b) values caused by space and function, c) values resulting from interpersonal communication in space, and d) emotional nodes between person and space. The priority of value categories for them are emotional nodes, which, in turn, include the nodes based on interpersonal relationships and the nodes based on space, the values related to interpersonal relationships, the values related to other people's relationships with space, and the values based on space and function. The findings show fundamental differences between the values of a historical place in the attitudes of people with a sense of place attachment and the priority of those values. These differences are mainly because time and space reach zero in the dependent person's attitude towards the value of the historical place. This occurs in such a way that the person dependent on the place defines the value of the historical place based on the place-oriented and need-oriented values in a contractual way and with the priority of the current value. If the people attached to a historical place define the value of that place in his simultaneous experience and based on human emotions and his interactions with other people and places, they give priority to social interactions and emotional nodes. Considering the deeper and the stable human-centered and emotion-centered relationships with historical place, as well as the non-uniformity of attitudes in valuing based on the findings of the research, the final result is that, in conservation, the values given by the individual people attached to the place should be kept in a higher priority than the contractual values suggested by experts.